

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که یکی از مباحث مهم اصول بحث اجماع است؛ بسیار بعید است بعد از گذراندن لمعه و مکاسب و برخی کتب به نقش و اهمییت اجماع پی نبرده باشید ولی متاسفانه بحث اجماع در اصول ما بسیار لاغر است؛ مرحوم آخوند در 3 یا 4 صفحه بحث اجماع را مطرح می کند.

در مورد اجماع باید دقت کنید که یک کارایی استقلالی مطرح است و یک کارایی ابزاری؛ مراد از استقلالی: یعنی اجماع سند باشد برای حکم در کنار قرآن، سنت و عقل؛ مراد از ابزاری: این کارایی بسیار گسترده است مثلاً اجماع بشود ظهور ساز یا ظهور شکن یا به تعبیر دقیق تر اجماع مانع انعقاد ظهور شود مثلاً با توجه به اجماع، یک روایت جور خاصی معنا شود؛ به عبارت دیگر: اجماع ابزاری باشد برای تفسیر سایر نصوص.

گاهی وقت ها اجماع، یک دلیل را بر مسند سندیت می نشاند مثلاً: روایت ضعیف السندی داریم که اگر اجماع بر وفاقش نبود نمی شد به این روایت فتوا داد اما اجماع این روایت را به مرزیه روایت صحیح می رساند؛ مثلاً: روایت داریم دماء ثلاثه خون معفو نیست و پشتیوانه ای حکم روایت ضعیف است اما چون این روایت اجماع به همراهش دارد به منزله روایت صحیح السند تلقی می شود.

در یک جایی دیگر نقش اجماع ثابت می شود: در باب تعارض، دو روایت داریم که سنداً کامل هستند اما یک روایت به همراهش اجماع دارد. روایتی که موافق با اجماع است را اخذ می کنیم با توجه به فقره‌ی خذ بما اشتهر بین اصحابک. نکته: متاسفانه برخی ها می روند سراغ اجماع های سید مرتضی و ابن زهره (در حالی که این ها مبنای خاص داشتند) و... و اجماع را زمین می زنند.

نکته دیگر: اجماع به دو بخش عمده تقسیم می شود:

1 « محصل: شخص خودش دنبال مساله ای می رود و نظریات را می بیند و به اجماع می رسد مثل صاحب مفتاح الکرامه.

2 « منقول: اگر کسی به اجماع دیگری اعتماد کند اجماعش منقول است.

اجماع منقول دو نوع است:

1: اجماع منقول به خبر متواتر: باحث از بیست فقیه نقل اجماع را ببیند و احتمال هم ندهد که این فقها اجماع را از هم گرفته اند؛ این نوع بسیار کم است چرا که معمولاً فقها اجماع را از هم نقل می کنند.

2: اجماع منقول به خبر واحد: باحث ادعای اجماع را از دو یا سه نفر به دست آورد.

مرحوم آخوند: اجماع محصل و اجماع منقول به خبر متواتر را بحث نمی کند.

استاد: ما اجماع منقول به خبر واحد و غیر محفوف بالقرینه از نظر کارایی استقلالی را بحث خواهیم کرد.

نکته: متاسفانه ما در علم اصول، بحث مستقلی از فقه و قرآن، فقه و عقل و فقه و اجماع نمی بینیم.

فنقول بسم الله الرحمن الرحيم

سوال: آیا می شود به اجماع منقول بخبر واحد اعتماد کرد و فتوا داد یا نه؟

صاحب کفایه: کثیری از کسانی که حجیت خبر واحد را قبول کرده اند حجیت اجماع بخبر واحد را هم قبول کردند؛ اینها گویند وقتی زراره می آید و قول امام صادق را نقل می کند و ما می گوئیم حجت است حال اگر مرحوم سید جواد عاملی هم بیاید و نقل اجماع برای ما بکند ما این را هم می پذیریم چرا که دلیل می گوید کل خبر حجه و فرقی بین راوی مستقیم از امام و غیر مستقیم

نیست.

مرحوم آخوند می فرماید: من برای اینکه این بحث را به سامان برسانم چند مطلب را عرض می کنم.

مطلب اول: اهل سنت براساس مصالح سیاسی معتقد به عصمت امت هستند و امت اسلام را به معصوم می دانند و استناد می کنند به حدیث معروف لا تجتمع امتی علی الخطا... و لذا گویند اگر همه مسلمین در جایی اتفاق کنند خطا نمی کنند؛ اما امامیه این حدیث را سنداً و دلالتاً مشکل می داند و عصمت را مختص به اهل بیت می داند.

نکته: اجماعی که ما مطرح می کنیم با اجماع اهل سنت دو چیز است ما اجماعی که کاشف از رای معصوم باشد را حجت می دانیم اما آنها خود اجماع را حجت دارند.

مرحوم آخوند در یک عبارت شلوغ چند راه را برای قطع به قول معصوم مطرح می کند:

1: ناقل اجماع (مثلاً صاحب مفتاح الکرامه) قاطع شود به حضور معصوم بین مجمعین و لو اینکه معصوم را بشخصه نشناسند؛ این را اجماع دخولی نامیده اند؛ این اجماع به درد کسی می خورد که زمان حضور امام باشد یا در عصر غیبت از کسانی باشد که با امام دائماً در ارتباط باشد و این اجماع حسی می باشد.

2: مدعی اجماع (مثلاً صاحب مفتاح الکرامه) معتقد است آنچه من از علما دیده ام و برای آیندگان نقل می کنم قطعاً موافقت با معصوم را داشته است محال است همراه نباشد مثلاً یک فقیهی یک وقت کلان می گذارد و راجع به یک مساله تتبع می کند و می بیند همه فقها متاخر و متقدم و... همه متفق هستند و از طرفی هم قاعده لطف اقتضاء دارد که همه فقهاء و امت به اشتباه نروند.

الحمد لله رب العالمین